

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(صفر ۱۴۳۶ هـ.ق - ضربان حیات)

۲۱ آذر ۹۳

خطبه‌ی اربعین

شب دوم

شکر پروردگاران را سزاست که عشق را در ضمیر جان‌ها به ودیعه نهاد و فرمود: شهیدان زنده‌اند. بلکه می‌شود قلب عاشق را گشت؟ قلبی که از هجران خالقش هر لحظه در سوز و گداز است و با روحی منور همواره در خروش است تا زمین جان را بکاود و از سینه‌ی عاشق خارج گردد. بلکه شهیدان که ضربان حیاتشان به واسطه‌ی عشق به معبودشان تا ابد در سینه‌شان می‌تپد، زنده‌اند. چون هرگز نمی‌میرد آن‌که دلش زنده شد به عشق. کدام عشق، عشقی دور از احساسات ظاهری و آلوده به هوس، بلکه عشقی با عقلی برتر و ایمانی محکم، جدا از خودبینی و خود اندیشی به خالق و بر جلوه‌ی انوارش در روی زمین اطمینان باید داشت اگر بر این باور استوار باشد و آغشته به اخلاص، عشق دوطرفه است که خداوند رحیم فرمود که ما در حیات دنیا دوستدار شما بودیم و نیز در آخرت دوستدار شمایم در بهشت هرچه دلتان بخواهد و هرچه طلب کنید برایتان فراهم است.

اینک می‌خواهیم زمزمه‌های عاشقانه‌ی عشاق را که از ضربان حیاتی جاودانه خبر می‌دهد از خطابه‌های محرم به گوش جان بشنویم تا راه و رسم عاشقی را در مکتب اباعبدالله (ع) بیاموزیم. چون محرم مدال حق را بر سینه دارد مدالی که هزاران رمز و راز عاشقی را معنا می‌کند و آن را از خود امام حسین (ع) آغاز می‌کنیم که در مناجاتی با خداوند کریم چنین فرمودند: بار الها یاریم کن تا سپاست گویم و زنده شوم به آن شکری که تو از آن خشنود شوی پس به خاک خواهیم غلتید و همه‌ی عالم را به تماشایش فرا خواهیم خواند و خواهیم گفت، به حسین بنگرید، آیا هنوز نتوانسته بنده‌ی لایقی باشد؟ قلبم گواهی می‌دهد که هرگز به شکر نعمت‌هایش دست نخواهم یافت و با اسب با وفایش چنین نجوا می‌کنند: ای همراه من، آنگاه که از

زینت به زیر افتادم ملائک مرا به بال‌های خود دعوت می‌کنند تا بر خاک نیفتم و من بر آن بال‌ها بوسه می‌زنم و سر خود را بر سجده‌گاه جانان می‌گذارم، در خاک می‌غلتم تا خونم با آن مخلوط شود پروردگار عالم فرموده است خاک شما را با آب گل کردم اکنون می‌خواهم آن خاک را با خون گل کنم تا پروردگارم در من بنگرد و سپاسم را بپذیرد. جان عالم به فدای ضربان قلب پرسوز و گداز از عشق پروردگارت و سر پر شور از عطش مهر خالقت یا اباعبدالله این عشق را چگونه تفسیر کنیم.

چه زیبا فرزند گرامی‌تان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) آن را بیان فرمودند که: پروردگارا چه زیبا فرمودید، آنچه من می‌دانم شما نمی‌دانید ای خالق یگانه راز قلب جدم حسین (ع) را چگونه یافتید که او را اباعبدالله نامیدید تا عبد را معنا کنید. پس پیشانی عبد می‌شکند، قلبش تیر می‌خورد، سرش جدا می‌شود ولی آرام نمی‌گیرد. آواز تلاوتش در فضای زمان می‌پیچد (ای بندگان در بند شیطان) سر پرشورم هنوز شور هدایتتان را دارد گرچه بین سر و بدنم جدایی افتاده ولی هنوز عاشق است تا بگوید بیایید خداوند مهربان است و چه زیبا رمز و راز سر پر شور عاشقش را مادر گرامی‌شان حضرت زهرا ی مرضیه (س) فاش فرمودند که: آفرین بر میوه‌ی جانم که سر پر شورش نشانی بود از قلب پر التهاب زهرا و آن سر پر شور بر قامتی جز بارگاه عزت پروردگار استوار نبود.

حال به سراغ قلب عاشق دیگری می‌رویم قلب حضرت زینب کبری (س) که در کربلا سینه‌ی مطهرش را به خیمه‌ی حسین بن علی (ع) می‌چسباند و می‌فرماید: ای خیمه‌ی عشق چند روز دیگر در آتش کفر کافران خواهی سوخت ولی آتش عشقت تا قیامت جاودانه خواهد شد، پس شاهد سینه‌ام باش که در این حرارت از آن آتش فروزان‌تر است.

اینک گوش جان به ضربان حیات عاشقان انوار جلوه‌ی الهی بر روی زمین یعنی امامان می‌دهیم که از سوز عشقشان با تمام اخلاصشان سخن می‌گویند. سخن را از سرور عاشقان حضرت ابوالفضل عباس (س) آغاز می‌کنیم که فرمودند: عشق تفسیری جز عمل ندارد و آن را عیناً در صحرای کربلا به نمایش همه‌ی دوران‌ها گذاشتند، در آخرین

ساعات روز عاشورا حضرت عباس درحالی که اشک در چشمش حلقه زده به امام حسین (ع) می‌فرماید من غلام شما هستم، غلامی که عاشق است، عشقش جانش را می‌سوزاند و خاکسترش را به پای مبارکتان می‌ریزد آیا ایام در کنار بودنتان رو به اتمام است؟ پس از دوری‌تان سینه‌ام را چاک خواهم داد و زخم درونش را رو به آسمان خواهم گرفت تا همگان جگر سوخته‌ام را ببینند، در آن جگر بنگرند و ندایش به گوش جان زمزمه کنند که: عباس قبل از اینکه بمیرد از دوری مولایش تکه تکه شد. دردش درمان نیافت مگر به وعده‌ی مولایش حسین که باز در کنارش باشد و هرگز از او جدا نشود. حال سفارشی هم از فاطمه‌ی ثانی رقیه خاتون می‌شنویم که می‌فرمایند: ای دوستداران پدرم حسین اگر توانستید به اندازه‌ی من عاشقش باشید پس رکاب اسبش را رها نکنید و اگر مانند من به شما وعده‌ی دیدار داد برای دیدارش جانتان را از قالبش برهانید تا اَفْوَضُ امری معنا شود. اینک از ضربان قلبی که عشق را به همراه اطاعت از امام عصر خود با تفسیر این فراز از زیارت جامعه کبیره (بابی انتم و امی و نفسی و اهلی و مالی) یعنی پدر و مادرم، خودم و خانواده و دارایی‌ام به فدای شما امام و مولای من را به نمایش تاریخ گذاشته است. ایشان عبدالله بن جعفر پسر عمو و همسر حضرت زینب کبری (س) است که به تدبیر امام حسین (ع) در مدینه باید می‌ماندند تا در حوادث بعد از عاشورا از اهل بیت حمایت می‌کردند. در زمان وداع با اباعبدالله زانو زده و با اشکی که مانند سیل از دیدگانش روان است خطاب به مولایش حسین (ع) ابراز می‌دارند: ای یادگار پیامبرم چگونه دوری‌ات را تحمل کنم؟ این چه تکلیف گرانی است که بر من نهادی و مرا از جانم جدا کردی. فرمان دادی به‌مانم همگان بار سفر می‌بندند، می‌خندند، می‌گیرند و من تنها می‌گیرم. خنده در جانم تا قیامت که دوباره در سیمای تو بنگرم فراموش خواهد شد پس به عبدالله رحم کن تا تو را به سینه بفشارد و بویت را در جانم ذخیره کند. جعفر پسر عبدالله به طرف پدر می‌آید دستانش را می‌بوسد و می‌گوید: پدر همانند اسماعیل به من بنگر که چگونه مشتاقانه به میثاق عشق می‌روم تا جانم را فدای فرمانی کنم که پروردگارم فرمود: آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کردند در نزد خدا درجتی عظیم‌تر دارند و کامیافتگانند. پس دعایم کن تا راهی را بروم که

رضایت پروردگارم در آن است. حضرت زینب برای وداع با همسر مهربانش پیش می‌آید و می‌فرماید عبدالله، پدرم امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: ای زینب برایت همسری برگزیدم که سایه‌ی دو بال پدرش جعفر طیار همواره بر سرش افتاده و او را در رسیدن به آنچه به آن مأمور شده یاری می‌دهد پس با او مهربان باش، و من سفارش پدر را در نهایتش به انجام رساندم. اینک آن دو بال را ضامن راهی می‌بینم که بدان فرمان داده شده‌ام می‌روم و تو را به خدا می‌سپارم. و احیرتا عبدالله موقع وداع با امام عصر خود اباعبدالله آن‌گونه با سوز و گداز نغمه‌ی عاشقانه سر می‌دهد و در وداع پدرش و همسر بزرگوارش حضرت زینب سکوت می‌کند این است (بابی انتم و امی و نفسی و اهلی و مالی) بله این ضربان حیات و احساسات عمیق که سرچشمه از عشق و ایمان به خداوند کریم و معرفت و شناخت امامت است را نزدیکان و یاران امام حسین (ع) در مناجات خود به خالقشان و با ادب حضور عشق با اخلاصشان را به امامشان ابراز می‌داشتند.

شنیدن این ضربان‌های حیات واقعی برای کسانی که حیات خود را نکشته باشند باید به وجد و سرور آورده و عشق به خداوند کریم و امامت را در دلشان زنده کنند و زنده شوند که به فرموده‌ی امیر مؤمنان شهید است و حیات جاودانه دارد اگرچه در بستر از دنیا برود.

پس ای منتظران و شیفتگان کوی عشق، حال که آموختم که عشق خداوند و انوارش در زمین یعنی امامت ضامن حیات جاودانگی است تا دیر نشده آن را تجربه کنیم تا حیات و ممانعت با آن منور شود. همچون یاران اباعبدالله در برابر مولایمان یوسف زهرا زانو بزنیم و با اشک و ناله ابراز داریم ندبه‌هایمان، سوز و اشک‌هایمان گواه عشقمان است. ضربان حیاتمان را محکم و مستدام کنید تا دنیا و برزخ و قیامت‌مان زنده به عشق شما گردد. برای پذیرفته شدن آن فریاد خواهیم زد:

اللهم عجل لولیک الفرج